دانشجویان در محضر رهبر انقلاب چه گفتند؟

حسینیه امام‌خمینی(ره) روز گذشته به‌رسم ماه‌رمضان‌های هر سال، میزبان هزاران نفر از دانشجویان بود که به دیدار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رفته بودند. ۱۱ نفر از دبیران و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی در این دیدار فرصت یافتند صریح و بی‌پرده در حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی نکات و نظرات خود را مطرح کنند.
هیچ نهاد و مسئولی از مجموعه‌های زیرنظر رهبری گرفته تا دولت و مجلس و قوه قضائیه از تیغ تیز نقد جریان دانشجویی در امان نبود. دانشجویان دیروز از مشکلات معیشتی مردم، سقوط ارزش پول ملی، لزوم اصلاح ساختارهای سیاسی کشور، روز و حال نه‌چندان جالب شورای عالی انقلاب فرهنگی، استفاده از فرصت جوانگرایی برای رفع موانع ناکارآمدی‌ها، برجام و لزوم تغییر رویکرد دیپلماسی کشور، ضرورت جلوگیری از شکل‌گیری نسخه‌های انحرافی عدالتخواهی، انتظاراتشان درخصوص جوانگرایی و لزوم رسیدگی به وضعیت فعلی خصوصی‌سازی سخن گفتند که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

تاریخ علم

تاریخ علم در اسلام و ایران به روایت دکتر علی‌اکبر ولایتی (بخش بیست‌ویکم)

روزگار فرمانروایی نصر

آنچه در پی می‌آید، ادامه مجموعه مباحث مطرح‌شده از سوی دکتر علی‌اکبر ولایتی در مجموعه برنامه‌های «ایران» در سیمای جمهوری اسلامی ایران با موضوع تبیین تاریخ علم در اسلام و ایران است.

از زمان ترجمه این متن به عربی، به‌دست عبدالله بن مُقَفَّع، متن فارسی آن از اعتبار افتاد. از این رو، نصربن احمد رودکی را تشویق کرد که این کتاب را به‌نظم درآورد تا فارسی‌زبانان از خواندن و بهره آن بی‌نصیب نمانند. امروزه رودکی را شاعری متفکر می‌شناسند. در بسیاری از اشعار او اندیشه‌های عمیق فلسفی پنهان است و احساسات انسانی، نظیر غم و شادی، موهبت و محبوبیت، هجران و عشق به وطن، همگی انعکاسی ژرف و عمیق دارند.[1]

در روزگار فرمانروایی نصر، کتاب‌های عربی و فارسی بسیاری در بخارا و دیگر بلاد قلمرو سامانی تالیف شد. گفته‌اند در بخارا کتابخانه‌ای وجود داشت که در روزگار خود یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهان بود. در آن کتابخانه، برای هر دانشی تالاری اختصاص داده شده بود که در آنجا کتاب‌های مربوط به آن دانش را با نظم و سیاق خاصی در جعبه‌ها و صندوق‌ها چیده بودند.[2]

افزون‌بر وجود کتابخانه‌های عالی در زمان سامانیان، متن‌های دست‌نوشته نیز فراوان و به‌ارزانی به فروش می‌رفته و در دسترس دانشمندان و ادب‌دوستان قرار می‌گرفته است؛ از این رو، آموختن صنعت کاغذسازی از چین برای سامانیان بسیار اهمیت داشته، زیرا موجب کاهش بهای کاغذ می‌شده است[3]. بدین ترتیب، با تلاش‌های دولت سامانی بر کمیت و کیفیت نظم و نثر افزوده شد. از ویژگی‌های نثر عهد سامانی ساده و طبیعی و نزدیک بودنش به زبان گفت‌وگو بود. در نثر از جملاتی کوتاه و دارای مفهومی روشن و رسا استفاده می‌شد و از صنایع لفظی و لغات مشکل عربی در آن خبری نبود. با چنین نثری که برای بیان مسائل علمی و فرهنگی ظرفیت و آمادگی بسیاری داشت، آثار بسیار ارزشمندی به قلم اهل دانش و ادب تصنیف و تالیف شد که بلاغت ادبی و کمال علمی آنها هنوز هم تحسین‌برانگیز است[4].

ادیبان نامدار این عصر را می‌توان چنین برشمرد: ابوالحسن شهید بلخی، ابوالحسن کسایی مروزی، ابوالحسن مرادی بخارایی، ابوعبدالله فرالاوی، عباس‌بن ترخان سمرقندی، عماره مروزی، ابوالعباس مروزی، لوکری چنگ‌زن، شاکر بخاری، حکیم ابوطاهر خسروانی، ابوالحسن منجق، حنظله بادغیسی، فیروز مشرقی، مسعود مروزی، ابوسلیک گرگانی، محمد بن وصیف، محمود وراق، بسام کُرد، محمد بن مخلد، ابواسحاق بن جویباری، محمد بن محمود براعی، ابوالعباس راینجانی، ابومعید رونقی، غزالی لوکری، محمد بن موسی فرالاوی، محمد بن عثمان کاتب، محمد بن حسن عبدالله معروفی، معنوی و خبّاز نیشابوری[5].

امیر نوح‌بن نصر سامانی نیز همچون پدرش، نصربن احمد، پشتیبان و مشوق دانشمندان، هنرمندان و ادیبان بود. در عصر او، علمای دربار سامانی بسیاری از کتاب‌های علمی و فلسفی یونانی را به زبان فارسی ترجمه کردند، اما چون به صحت این ترجمه‌ها اطمینانی نبود و تا آن زمان نهاد نظارتی‌ای بر صحت ترجمه متون علمی نظارت نمی‌کرد، نوح از ابونصر فارابی خواست پس از تحقیق و تفحص کافی در کتاب‌ها و ترجمه‌ها، ترجمه صحیح و جامعی از آنها تهیه کند. فارابی در پی این تقاضا، کتابی با نام تعلیم‌الثانی فراهم آورد. از آن پس، خود او نیز به «معلم ثانی» شهرت یافت[6].

ابوصالح منصور بن نوح سامانی نیز از امرایی بود که به سنت نیاکان خود و با شوق و ذوق قلبی، به حمایت و تربیت علما و شعرا و مفسران همت گماشت. به فرمان این امیر، ابوعلی محمد بن عبدالله از سال ۳۵۲ ق به ترجمه تاریخ‌الامم و الملوک طبری اقدام کرد. ابوعلی بلعمی، در فرآیند ترجمه با حذف مطالبی از اصل عربی مطالبی از تاریخ‌نامه‌های دیگر بر آن افزود. از این رو، این کتاب از قالب ترجمه بیرون آمد و رنگ و شکل تالیف به خود گرفت و به تاریخ بلعمی شهرت یافت[7].

ادامه دارد...

پی‌نوشت:

۱- نعمت‌اف، همان، ص ۲۲؛ فرای، ریچارد (۱۳۶۵). بخارا دستاورد قرون وسطی، ترجمه محمود محمودی، تهران، علمی و فرهنگی، صص ۹۹-۹۸
۲- مدرسی، همان، ص ۹۶
۳- ریپکا، یان (۱۳۸۱). تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریه، ترجمه عیسی شهابی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۶
۴- فروزانی، «ضرورت‌ها و هدف‌های ترویج فرهنگ ایرانی در عهد سامانیان»، ص ۳۲
۵- نعمت‌اف، نعمان، «ادبیات و موسیقی در قرون سوم و چهارم»، ترجمه لقمان بایمت‌اف، کیهان فرهنگی، شهریور، ش ۱۵۵، ص ۲۲
۶- مدرسی، همان، ص ۹۷
۷- مدرسی، همان، ص ۹۸؛ فروزانی، همان، ص ۳۳؛ فدایی عراقی، همان، صص ۴۴۱-۴۴۰.

محمدحسین صبوری | دبیر اتحادیه جنبش عدالتخواه دانشجویی

اگر بناست نظام‌سازی‌مان مقدمه تحقق آرمان‌ها باشد، طبیعتا باید ساختار را مبتنی‌بر آن رسالت‌ها، طراحی و در صورت نیاز، اصلاح کنیم. این رویکرد در برابر دوگانه غلطی است که از یک‌سو آرمان‌ها را محافظه‌کارانه غیرقابل تحقق می‌داند و در سوی دیگر، راه تحقق آرمان‌ها را در ساختارشکنی جست‌وجو می‌کند. در همین راستا به ریشه‌یابی بخشی از معضلات کنونی کشور می‌پردازیم:

خصوصی‌سازی

همان گونه که نگاه دولتی دهه ۶۰، خسارت‌بار بود، خصوصی‌سازی افسارگسیخته، بدون رعایت لوازمی نظیر شفافیت، نظارت، اهلیت و بخش‌های تامین کننده منافع مستضعفین که در بندهای «ب»، «د» و «ه» ابلاغیه آمده بودند نیز بحران‌زاست.
لیکن آنچه تاکنون از نتایج حاصله خصوصی‌سازی دیدیم، لطمه به تولید ملی، تعمیق نابرابری و شکاف اقتصادی بوده است. جدا از اینکه عده‌ای در دولت‌های پیش، سنگ بنای غلطی را در فرآیند خصوصی‌سازی بنا نهادند، آقایان در دولت فعلی صریحا می‌گویند باید شرکت‌ها را مجانی واگذار کنیم.
اینکه به نام واگذاری به مردم، کارخانه‌ای با ۵۰ سال سابقه و چند صد کارگر و متخصص، کمتر از یک‌سال پس از واگذاری به بخش خصوصی تعطیل می‌شود، چه نسبتی می‌تواند با شعار سال داشته باشد؟! انحراف فرآیند خصوصی‌سازی، ناشی از قدرت گرفتن جریان لیبرال در کشور و غلبه آنها بر مجاری تصمیم‌ساز است که منجر شد اصل ۴۴ به جای آنکه ذیل گفتمان اقتصاد مقاومتی (و مردمی کردن اقتصاد) طرح شود، در چارچوب تئوری‌های لیبرالی «دولت حداقلی» تعریف و اجرا شود. در چارچوب این تعریف خطرناک است که حاکمیتی‌ترین بخش را (که آموزش و پرورش باشد) به نام «خرید خدمت»، خصوصی می‌کنند. این نگرانی وجود دارد که دولت، از طریق اختیارات داده‌شده به جلسه سران قوا، برای چوب حراج زدن بر مابقی بنگاه‌ها استفاده کند! انتظار داریم با دستور شما یا قوه قضائیه، جلوی روند فعلی خصوصی‌سازی (تا زمان اصلاح این مدل) گرفته شود.

سیاست خارجه

متاسفانه دیپلماسی رسمی ما به سرنوشت دولت‌های چهارساله‌مان گره خورده؛ به‌گونه‌ای که رویکردهای منفعلانه در سال‌های اخیر، بعضا منجر به ارائه تصویری ترسو از نظام مقتدر و مظلوم جمهوری اسلامی شده است. این اتفاقات، هرچند دستپخت دولت‌هاست، اما عواقب آن دامنگیر کل نظام خواهد شد. رویکرد محافظه‌کارانه، نه‌فقط دیپلماسی رسمی که دیپلماسی فرهنگی ما را نیز مختل کرده است. باوجود دیوان‌سالاری‌های متعدد خارجی نظیر وزارت خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات، مجمع جهانی اهل‌بیت، معاونت فرهنگی نیروی قدس، مجمع تقریب مذاهب، تا مراکز اسلامی و نهادهای ریز و درشت دیگر، ما در ارتباط با جوانان انقلابی اهل‌سنت منطقه و فعالان ضدامپریالیسم در قاره آمریکا و اروپا ضعف جدی داریم.
نهادهای متولی دیپلماسی فرهنگی، اساسا این حوزه را به منطقه ممنوعه‌ای برای ورود هر فعالیت فرهنگی خارج از ساختار رسمی تبدیل کرده‌اند، در صورتی که ظرفیت‌های مردمی برای ورود به این حوزه وجود دارد که باید میدان برای نقش‌آفرینی آنها فراهم شود. البته ما متوجه ملاحظات فضای خارج از ایران هستیم، اما این ملاحظه کاری نباید به دولت‌زدگی و حتی تعقیب سیاست‌های جهان سلطه برای محدودکردن اسلام انقلابی بینجامد؛ مثل رویه کنونی مرکز اسلامی لندن که در مقابله با اسلام انقلابی از دولت انگلیس هم جلو افتاده و با آن همکاری می‌کند. اگر قائل به این هستیم که مخاطب اصلی انقلاب اسلامی، ملت‌ها هستند و نه دولت‌ها؛ لازم است برای تحقق عینی آرمان جهان‌وطنی‌مان، به اصلاح سازوکارهای دیپلماسی فرهنگی‌مان بپردازیم.

عدالت در آزادی

امروز در کشور ما آزادی هست، اما عدالت، در آزادی، رعایت نشده است. چگونه انحصارطلبان کانون وکلا و نظام پزشکی و اتاق بازرگانی (که مدافع وابستگی و از موانع اصلی پاگرفتن تولید در ایران است)، از هرگونه حق رسمی و قانونی جهت پیگیری مطالبات‌شان برخوردارند، اما گروه‌هایی نظیر معلمان و کارگران و پرستاران، که عملا مکانیسم موثری در حاکمیت برای مطالبه حقوق‌شان ندارند، باید با برخوردهای قهری و تنگ‌نظرانه مواجه شوند؟
نافی این نیستیم که برخی تجمعات زمینه سوءاستفاده معاندان را دارند، اما دیوان‌سالاری‌های مربوط به صدور مجوز، با اجرای سلیقه‌ای این قانون، به ۹۹ درصد تجمعات چه در اجرای حق دینی دادخواهی مظلوم و چه در مطالبات انقلابی مجوز نمی‌دهند. ماجرای تصویب برجام به ما آموخت که بدون آزادی حتی از استقلال و دین نیز نمی‌توان دفاع کرد. در آن روزها دولت، شهرداری و درآن مورد خاص سپاه پاسداران با استناد به اینکه رهبری و نظام موافق برجامند، از برگزاری همایش اعتراضی در ۲۰۰ سالن هماهنگ‌شده در تهران جلوگیری کردند و جریان انقلابی هیچ روزنه‌ای برای رساندن صدای اعتراض، جز تشییع جنازه شهدا و اجتماع مقابل مجلس نداشت؛ که البته بعدا هم در همین دیدار با نقد حضرتعالی روبه‌رو شده و طبق معمول، رسانه محافظه‌کاران و غرب‌گرایان، «عتاب رهبری به جوانان انقلابی» را ضریب ویژه دادند.

کاسبان وضع موجود

در هشت سال جنگ تحمیلی، هم با دشمن روبه‌روی‌مان جنگیدیم، هم با امثال بنی‌صدرها که در دل نهادهای تصمیم‌گیر برای کشور، برخلاف منافع ملی عمل می کردند! در شرایط جنگ اقتصادی نیز ضمن مراقبت از دشمن بیرونی نباید از محافل قدرتمندی که در شکل‌گیری وضع نامناسب معیشتی موثر بوده‌اند، غافل شد. وضعیت فعلی، محصول قرارگیری در شرایط «تعارض منافع» است. بعضی افراد در جایگاهی قرار گرفته‌اند، که خودشان تصویب می‌کنند، خودشان اجرا می‌کنند، خودشان هم نظارت می‌کنند و طبیعی است که این وسط نفع خودشان ارجح بر هر موضوعی ست! وقتی وزیر بساز بفروش، بشود سیاستگذار حوزه زمین و مسکن، وقتی پزشکان کاسب کار بشوند سیاستگذار حوزه بهداشت؛ که صدر تا ذیل وزارت را پزشکان و مالکان بیمارستان خصوصی گرفته باشند، وقتی مدیران بانک مرکزی، بین بانک‌های خصوصی و دولتی مدام در گردش هستند... بدیهی است که با جریان قدرتمندی از ذی‌نفعان مواجهیم، که در لایه‌های تصمیم‌گیری نظام نفوذ کرده و مهم‌ترین مانع در برابر تغییر دیوان‌سالاری موجود هستند.

جوان‌گرایی

برخی اشخاص و جریانات، به حرفه‌ای‌ترین شکل ممکن از فرمان «جوانگرایی»، برای بازتولید سیستم مریدپروری استفاده می‌کنند. محدودسازی این دستورالعمل، به عموزاده‌ها، خاله‌زاده‌ها، دایی‌زاده‌ها و آقازاده‌های دهه شصتی منجر شده تا به‌جای جذب احمدی‌روشن‌ها، برخی جوانان فرصت‌طلب منتسب به اشخاص، احزاب و باندها یک‌شبه به رشد آسانسوری برسند! ایراد ریشه‌ای‌تر را در «محافظه‌کاری» و وجود عناصر «محافظه کار» می‌دانیم، نه صرفا مسن. لذا اگر قرار باشد ۳۰ ساله‌های رانتی، جای مسن‌ها را بگیرند، عملا نه‌تنها کارآمدتر نخواهیم شد، بلکه محافظه‌کاران جوان توان بیشتری برای مقاومت دربرابر تحولات مثبت خواهند داشت. ضمن اینکه خوب است مدل صحیح جوان‌گرایی را از دفتر رهبری آغاز کنید تا برای سایر نهادها الگو شود. استدعا داریم به شرح چارچوب درست استفاده از جوانان نیز برای مسئولان نظام بپردازید.
در پایان، معتقدیم عقب‌ماندگی‌ها در بحث عدالت را نمی‌توان تنها با جابه‌جایی اشخاص جبران کرد؛ ریشه بسیاری از ناکارآمدی‌ها برخاسته از «ساختارهای ناتوانی» است که امکان تحقق آرمان‌ها را به ما نمی‌دهد. با پذیرش این گزاره که «هدف‌مان از انقلاب و تشکیل نظام، تحقق آرمان‌ها بوده»، لازم است به قصد برقراری تناسب میان ساختارها و آرمان‌ها، به اصلاح مستمر ساختارها بپردازیم. باید الگوی تغییر و اصلاح دائم و درونی نظام انقلابی را در برابر چشم تمام تشنگان حقیقت و عدالت در سراسر جهان برافراشت. جنبش عدالتخواه دانشجویی به نفع تحقق آرمان قسط و تمدن نوین اسلامی، اصلاح ناکارآمدی‌های دیوان‌سالاری را جزء وظایف خود دانسته و برای تحقق آن، مبارزه و ایستادگی خواهد کرد. در این راستا در پاسخ به مطالبه سال گذشته حضرتعالی از جنبش، مجموعه راهکارهای اصلاحی برای قوه قضائیه و صداوسیما را فراهم کردیم که به دفتر رهبر معظم انقلاب تحویل داده شد.

مرضیه افشارنیا | عضو اتحادیه اول تشکل‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی

رهبر عزیز، افتخار دارم به نمایندگی، حامل سلام و درود خالصانه دانشجویان تشکل‌های دانشگاه آزاد اسلامی، محضر مبارک‌تان باشم. این وقت ارزشمند را مغتنم شمرده و به نکاتی پیرامون مسائل مهم کشور در پنج محور بیانیه گام دوم، اقتصاد، سیاست خارجی، دانشگاه و مساله زن و خانواده می‌پردازم.

۱- بیانیه گام دوم

به لطف الهی، انقلاب کبیر ایران اسلامی، در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات مبارک خود نهاد که در دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی قرار گرفته است.
این بیانیه راهبردی و کارگشا که باید به یک گفتمان مسلط و جریان‌ساز تبدیل شود، هنوز که هنوز است مورد توجه مسئولان نظام آموزش‌عالی کشور قرار نگرفته است. در حوزه عملی هم علی‌رغم تاکیدات مکرر جنابعالی بر جوان گرایی و استفاده از نیروهای جوان، مومن و انقلابی در دستور کار دستگاه‌های اجرایی، قضایی و حتی حاکمیتی نیست و اگر جایی هم بوده، عموما ژن‌های خوب و آقازاده‌های فرهنگی بوده‌اند.

۲- اقتصادی

سوال این است که چرا مسئولان به جوانان اعتماد نمی کنند؟ مگر نه اینکه جنگ را با ۲۰ ساله‌ها بردیم و اقتصاد را به ۶۰ ساله‌ها باختیم. در سال رونق تولید ملی، یکی از وظایف مسئولان، ارتقای کیفی تولیدات ملی و خصوصا خودروهای داخلی است. آیا کشوری که جوانان آن به دانش انرژی هسته‌ای، موشک‌های پیشرفته، فناوری نانو و سلول‌های بنیادی دست پیدا کرده‌اند، قادر به تولید خودروی باکیفیت نیستند؟ آیا باز هم لبخند انکار و تمسخر تکنوکرات‌های غرب‌زده غربگرا در میان است؟
آقایان وزرا و مسئول!
آیا شما حاضر به خرید خودروی پراید، با این قیمت بالا و کیفیت پایین برای آقازاده‌های خود هستید؟ سوال بعدی این است که چه دست‌های پیدا و پنهانی در کار است که وقتی به عقیده کارشناسان، حل بسیاری از مسائل اقتصادی و بی‌عدالتی‌ها در گرو اصلاح نظام مالیاتی و بانکی و تصویب طرح‌هایی مانند مالیات بر عایدی سرمایه، برای خارج کردن سوداگران از بخش مسکن است، این طرح‌ها چندین سال در مجلس به اصطلاح شورای اسلامی معطل می‌ماند. آن هم در شرایطی که درصد مستاجران در سه دهه اخیر به بیشترین حد خود رسیده و افزایش دو برابری قیمت مسکن در کشور و سه برابری آن در تهران، زمینه ایجاد تبعات امنیتی را فراهم کرده است. رویکرد قوه قضائیه باید ریشه کن کردن فساد باشد، همان‌طور که در سیره امیرالمومنین(ع) هنگام مواجهه ایشان با فاسدان و اشرافی گری شاهد برخورد قاطعانه آن حضرت بودیم. از این رو از دستگاه قضا مطالبه برخورد محکم با مفسدان اقتصادی را داریم.
رهبر فرزانه و حکیم!
امید قطعی داریم که معظم‌له، اطلاع دقیقی از تحمل فشار سنگین اقتصادی و معیشتی بر مردم قدرشناس ایران اسلامی دارید. این فشار که با بی‌تفاوتی برخی مسئولان نسبت به افسارگسیختگی قیمت‌ها رو به افزایش است، تدبیری حکیمانه و جهادی می‌طلبد؛ هم از سوی مسئولان و هم از طرف مردم. همان گونه که در مواجهه با سیل عظیم و ویرانگر، ایران بسیج شد، در مقابل سیل خانمان‌برانداز بیکاری و تورم هم شاهد همکاری و همدلی همه اقشار ملت و دولت باشیم و تشکل‌های دانشجویی نیز در هر بخشی، آمادگی خود را برای همکاری اعلام می کنند.

۳- سیاست خارجی

نظر به اینکه ابلاغ سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی برعهده رهبری است، اما تصور و برداشت نامتوازن از روند تصمیمات بین‌المللی از سوی دولت محترم، به‌گونه‌ای دیگر است. این مساله خود به نوعی چراغ سبز نشان دادن به دشمن برای اعمال فشار بیشتر است. یکی از مفاهیم مهم که از بیانات حضرتعالی است، کلیدواژه «نظریه مقاومت» است که در مقابل «نظریه تسلیم و مذاکره» قرار گرفته است. نظریه مقاومت باید چارچوبی برای اندیشه‌ورزی، تدبیرگرایی و چاره‌جویی مسئولان و جوانان در مسیر پیشرفت اسلامی- ایرانی باشد و باید این نظریه در دانشگاه‌ها تبیین شود.

۴- دانشگاه

تربیت نیرو در تراز انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین مسائل انقلاب و وظیفه دانشگاه‌هاست. انسانی با معرفتی دینی، بصیرتی انقلابی و معنویتی توحیدی، نیاز ایران انقلابی است. سوال این است: دانشگاه در کجای نقشه انقلاب قرار دارد؟ آیا وضعیت اعتقادی اساتید ما راضی کننده است؟ آیا استاد، نیاز به آموزش و به‌روزرسانی علمی، فکری، عقیدتی و بصیرتی خود و ارتقای جهان‌بینی اسلامی خود ندارد؟ آیا نباید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها به فکر اصلاح و ترمیم اساتید و به‌ویژه دروس معارف باشد؟ آیا وضعیت موجود اساتید معارف ما راضی کننده است؟ بله، علم و علم‌آموزی یکی از مسائل اصلی دانشگاه است. اما همان علم هم باید نافع، کاربردی و البته در مسیر توحیدی باشد. متاسفانه دانشگاه، با تمام خدمات خوبی که به‌خصوص برای رشد و پیشرفت علمی به کشور و انقلاب انجام داده، اما هنوز از دردهای مزمنی رنج می‌برد. به‌نظر بحران هویت اسلامی و انقلاب‌زدایی هنوز دو مساله اصلی دانشگاه است که مسئولان باید عالمانه و مجاهدانه سعی در رفع آن داشته باشند.
مسئولان محترم؛ وزیر محترم علوم، بهداشت، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی انقلاب‌زدایی از دانشگاه را جدی بگیرید. در این مبارزه، هیات اندیشه‌ورز شما چه کسانی هستند؟ نقشه شما برای این نبرد چیست؟ معاونان شما، چند درصد از سند دانشگاه اسلامی را عملیاتی کرده‌اند؟ دانشگاه به‌عنوان مرکز تربیت بخش مهمی از نیروی انسانی کشور باید خود را مسئول بداند. دانشگاه، باید دانشگاه انقلاب باشد. دانشگاه، باید نیروی متناسب با شاخص‌های دولت اسلامی را تحویل جامعه دهد.
آیا چنین است؟
شورای‌عالی انقلاب فرهنگی باید از خواب زمستانی بیدار شود. مرحله تحقق «دولت اسلامی» کی می‌خواهد در دستور کار شورا و دانشگاه‌های ما قرار گیرد؟ راستی، طرح تحول در علوم انسانی به کجا رسیده، خبری دارید؟ جلسات تمام نشده یا هنوز آقایان جلسه هستند؟ در ضمن مستحضرید که بیش از چهار ماه است جلسات شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، به‌عنوان قرارگاه مرکزی فرهنگی کشور، تعطیل است.
و اما دانشگاه آزاد اسلامی
به نظر می‌رسد یکی دیگر از مسائل اصلی دانشگاه‌های ما و به‌خصوص دانشگاه آزاد اسلامی، مساله هویت اسلامی دانشگاه‌هاست. این مساله، موضوع مهم و بزرگی است. سخن در این‌باره بسیار است، اما مسئولان بدانند که مسیر هویت اسلامی از ایمان، عقیده و فرهنگ ناب اسلامی و انقلابی می گذرد. دانشگاه آزاد اسلامی با ورود انقلابی شما (مقام معظم رهبری) وارد مرحله‌ای تازه از عمر خود شده است. ما ضمن تشکر از مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی به دقت مسیر اصلاح، رشد و پیشرفت آن را در مسیر تحقق دانشگاه اسلامی رصد می کنیم.
لازم است یادآور شویم تحولات در بدنه مدیریتی به‌ویژه در واحدهای دانشگاهی کمتر قابل‌مشاهده است. همچنین دانشگاه آزاد اسلامی باید به فکر مسائلی از قبیل پرداخت شهریه سنگین، شفافیت و ایجاد سیستم پیگیری و نظارت همه‌جانبه، گسترش حضور روحانیت اصیل و مدیران مومن و انقلابی در دانشگاه و همچنین توانمندسازی اساتید، مدیران و کارکنان به‌خصوص در حوزه معرفتی و بصیرتی باشد.

۵- زن و خانواده

اسلام به زن و خانواده آبرو بخشیده، اما هنوز برخی نمی‌دانند که مسیر پیشرفت و تعالی جامعه از درون خانواده می‌گذرد. نگاه درجه دو به مقوله زنان، عدم آموزش مناسب در مدارس و دانشگاه‌ها با نقش واقعی زن در خانواده و اجتماع، نگاه غیراسلامی و در برخی از موارد ضداسلامی به این مساله، جامعه را دچار مشکلاتی در قبل، حین و بعد از تشکیل خانواده کرده است. افزایش سن ازدواج جوانان، آمار طلاق و در مقابل کاهش نرخ رشد جمعیت از تبعات این مساله است. پیشنهاد می کنیم دانشگاه‌ها در کنار ورود علمی به مقوله سبک زندگی اسلامی- ایرانی، با کمک خیرین، کمک به ازدواج‌های دانشجویی و گسترش خوابگاه‌های متاهلی و به کارگیری دانشجویان متاهل را جدی بگیرند.

پیام مرادی | دبیر تشکیلات اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل

در شرایطی به گفت‌وگو نشسته‌ایم که ملت ایران در ابتدای یک گام جدید قرار دارد. در این موقعیت تاریخی، برای رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی باید گذشته را به خوبی ارزیابی کنیم. این آگاهی تاریخی کمک می‌کند ایران را با همه فرصت‌های پیش رویش در یک دهه آینده بشناسیم. ما پس از ۴۰ سال، دیگر زمانی برای آزمون و خطا نداریم و برای رسیدن به قله پیشرفت باید بدون تسامح، «فرصت‌سازی» را جایگزین «فرصت‌سوزی» کنیم. سوال اینجاست که چرا نتوانسته‌ایم به برخی اهداف خود آن‌گونه که شایسته است، برسیم؟ واکاوی جریان مدیریتی و اجرایی کشور که جز ایامی محدود در اختیار یک نحله فکری خاص بوده است، ما را به پاسخ این سوال نزدیک می‌کند.
جوانی من و این جمع در دوره مدیریت کسانی سپری شد که استادتمام فرصت‌سوزی هستند! جریانی که با ایده مرکزی «همگرایی با غرب» نزدیک به سه دهه بخش مهمی از مناسبات سیاسی و اقتصادی را معطل نگاه داشت. برجام آخرین دستاورد این مدعیان عقلانیت بود.
آقایان! چهار سال از برجام گذشت، به اندازه عمر یک دولت گذشت و ما همچنان منتظریم! و چه فرصت‌هایی که در این انتظار بیهوده از دست رفت. با این همه عجیب است که همین جماعت «با فلانی تا ۱۴۰۰» حالا با توهم تفکیک لیبرالیسم از امپریالیسم، منتظر انتخابات ۲۰۲۰ نشسته‌اند!
همین جماعت در ادامه تناقض‌هایشان از «پرواز مستقیم تهران-نیویورک» به ترساندن مردم از حضور «ناو لینکن» در خلیج‌فارس رسیده‌اند! نتیجه این مارپیچ خطرناک ناکارآمدی، فرافکنی و بن‌بست‌نمایی، شرطی شدن جامعه در برابر تحریم‌های آمریکا و آسیب‌هایی است که در حوزه اقتصادی و خصوصا در بخش نفت و پول نمایان شده است که در ادامه به آن می‌پردازیم:

فرصت سوزی اقتصادی

نفت

میزان اثرگذاری تحریم بر اقتصاد یکی از سوال‌های مردم کوچه و بازار است. وابستگی تاریخی بودجه به نفت، زمینه‌ساز تحریم‌های نفتی و پاشنه‌آشیل دولت‌ها شده است. وزارت نفت در این جنگ اقتصادی یکی از سنگرهای جبهه خودی است که باید آماده باشد. وزیر محترم نفت می‌گوید این وزارتخانه یک سال است که آرایش جنگی گرفته است، اما در خفا! باید پرسید جناب همیشه وزیر نفت! چرا نتایج این آرایش جنگی مخفیانه در زندگی مردم محسوس نیست؟ خروجی عملکرد وزیر کرسنت، توتال و IPC، وزیر حذف کارت سوخت، وزیر استخدام رانتی نمایندگان مجلس و آقازاده‌ها در وزارت نفت، فرصت‌سوزی بزرگی به نام خام‌فروشی بوده است که تناسبی با شرایط تحریمی و جنگ اقتصادی ندارد. شاهد این مدعا این است که در تمام دوران وزارت آقای زنگنه ساخت هیچ پالایشگاهی آغاز نشده است. این در حالی است که ما در حوزه نفت، فرصت بزرگی به نام ساخت پتروپالایشگاه‌ها، تولید فرآورده‌های نفتی و افزایش مشتریان نفت کشور را دراختیار داریم که می‌توانند تحریم‌های نفتی را کم اثر و حتی بی‌اثر کنند.

پول ملی

کاهش ارزش پول ملی به کمتر از یک‌چهارم در کمتر از یک سال و کاهش قدرت خرید به نحوی که تهیه برخی کالاهای عادی به آرزو تبدیل شده، در شرایطی اتفاق می‌افتد که دولت میلیاردها دلار ارز دولتی را بدون نظارت میان عده‌ای تقسیم کرده تا با آن غذای سگ و لوازم آرایشی بخرند یا جنس وارد کنند و با قیمت آزاد به مردم بفروشند! بساطی درست شده است که از جیب کارگر و کارمند میلیاردها تومان با همین بازی‌های ارزی به جیب عده‌ای نوکیسه واریز شود.
مردم با دیدن این نابسامانی‌ها از خود می‌پرسند مسئول رسیدگی به این ولنگاری ارزی چه کسی است؟ وقتی رئیس‌جمهور که خود در این زمینه مسئولیت مستقیم دارد مانند مردم از تقلب واردکنندگان گلایه می کند، باید به کجا شکایت برد؟ چرا نمایندگان مجلس در برابر عرضه مبهم ۵۰ تن طلا و قریب به ۳۰ میلیارد دلار ذخایر ارزی کشور سکوت کرده‌اند؟ چرا باید شأن نظارتی مجلس به خاطر اشتراک منافع سیاسی رئیس مجلس و رئیس دولت تا این اندازه کاهش یابد؟

فرصت سوزی سیاسی

گویا در این شرایط ریاست محترم‌جمهور به تازگی فهمیده‌اند اختیار کافی برای اداره امور مملکت را ندارند؛ بعد از این همه انعطاف نظام اسلامی در مواجهه با ایده‌های دولت یازدهم و دوازدهم، صحبت کردن از کمی اختیارات حقیقا نمک‌نشناسی است. این در حالی است که جنابعالی با تشکیل شورای عالی هماهنگی اقتصادی چنان اختیاراتی به رئیس دولت داده‌اید که حتی حامیان آنها هم تعجب کرده‌اند! در مواجهه با این بی‌اخلاقی‌ها سوال اساسی‌تر این است که چرا باید چنین مدیرانی به سطح کلان سیاست‌ورزی در جمهوری اسلامی برسند؟ پاسخ این سوال را باید در اشکالات موجود در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور جست‌وجو کنیم.
مسئولیت‌ناپذیری و فرافکنی گروه‌های سیاسی، فرصت‌سوزی آشکاری است که به کشور آسیب زده است. فی‌المثل جماعتی که تا دیروز حمایت‌شان از جناب روحانی را تَکرار می کردند، امروز می‌خواهند خیلی یواشکی با دولتی‌ها فاصله‌گذاری کنند و بهانه‌شان نظارت استصوابی شورای نگهبان است. می‌گویند این یکی، آنکه ما می‌خواستیم نبود و میان بد و بدتر انتخاب کردیم و گزینه مطلوبی نداشتیم! خوب است آقایان پاسخ بدهند اولا؛ اعضای شورای اسلامی شهر تهران که بدون نظارت استصوابی انتخاب شده‌اند به جز بازی اسم و فامیل چه دستاوردی داشته‌اند؟ ثانیا؛ مگر در همین دولت، اکثریت کابینه را تصاحب نکرده‌اید؟ مگر وزرایی چون ربیعی، نعمت‌زاده، آخوندی و زنگنه، وزرای دولت مطلوب‌تان نبودند؟
جریان اصولگرایی هم اما از این قاعده مستثنی نیست.
اگر اصلاح‌طلبان با تلقی لیبرال از مفهوم آزادی نسبت خود را با گفتمان انقلاب اسلامی از دست داد، جریان اصولگرایی نیز سال‌هاست که با برخورد منفعلانه با مفهوم آزادی و گرفتار شدن در قبیله‌گرایی سیاسی، سطح سیاست‌ورزی خود را به جلسات محفلی پشت درهای بسته، تقلیل داده در حالی که عرصه سیاست، میدان فعالیت اجتماعی است. از این رو معتقدیم دوگانه منسوخ اصلاح‌طلبی و اصولگرایی، مدت‌هاست که منطبق بر واقعیت‌های جامعه نیست و تداوم آن یک فرصت‌سوزی آشکار است.
تجربه نشان داده است وجود یک دولت لیبرال، با شاخصه‌های ضدعدالت، به‌طور طبیعی گفتمان عدالت را بازتولید می کند. عدالت شاخصه اصلی پایگاه گفتمانی جریان انقلابی است و آنچه از این پس اهمیت مضاعف می‌یابد، جلوگیری از شکل گیری نسخه‌های انحرافی و دکان خودنمایی و جلوه‌فروشی با برند عدالتخواهی است. ساختارشکنی، برخورد عصبی یا زیر سوال بردن نهادهای مجری عدالت، فرصت عدالتخواهی مساله محور و ساختارمند را از بین خواهد برد.
براساس آنچه گفته شد، فرصت بازسازی ساختار سیاسی کشور، تنها با ورود جوانان به حلقه بسته و خسته سیاستمداران پا به سن گذاشته و به رسمیت شناختن صورت‌بندی‌های جدید سیاسی ممکن است.

فرصت سوزی فرهنگی

رسیدن به این هدف خود می‌تواند حلال بسیاری از مشکلات باشد؛ به‌عنوان مثال شورای عالی انقلاب فرهنگی امروز از حضور جمعی از ابوالمشاغل‌هایی رنج می‌برد که به علت تعدد مسئولیت‌ها و عضویت همزمان در ده‌ها شورای مشابه، تمرکز کافی برای سیاستگذاری فرهنگی ندارند. گرچه این شورا دچار ضعف در عملکرد بود؛ اما پیش از این شأن قانونی آن رعایت می‌شد. نیک مستحضرید که مدت‌هاست جلسات شورا به دلیل اختلاف نظر سیاسی رئیس آن با برخی اعضا، تشکیل نمی‌شود. وقتی عالی‌ترین نهاد فرهنگی کشور به دلیل رفتارهای متفرعنانه تعطیل می‌شود، نتیجه‌اش مجوزهای بی‌حساب و کتاب ارشاد و سلبریتی‌پروری غیرحرفه‌ای و کاسبی ستاره مربعی سازمان صداوسیماست!
رهبر عزیز انقلاب! در این موقعیت تاریخی سرنوشت انقلاب اسلامی تحت‌الشعاع نزاع میان دو گفتمان قرار گرفته است و نسل امروز در معرض تنازع «عقلانیت انفعالی» و «عقلانیت انقلابی» قرار دارد.
از یک‌سو گفتمان همگرایی با غرب تلاش می کند با شعار عقلانیت، باورهای انقلابی را استحاله کند. در نگاه این جریان دهه پیش رو دهه تهدیدهاست و ما در یک بن‌بست قرار داریم که تنها راه خروج از آن، معامله با آمریکاست. در مقابل اما گفتمان انقلاب اسلامی قرار دارد که عقلانیت را از ارکان اساسی اندیشه امام خمینی(ره) می‌داند و دهه پیش رو را دهه فرصت‌ها می‌نامد. راهکار قطعی حل مشکلات کشور، ایستادگی و نوگرایی است. ما اگر توانستیم تهدید جنگ را به فرصت امنیت و اقتدار تبدیل کنیم، اگر توانستیم از کمبود کادر و امکانات درمانی به پیشرفت علمی و تربیت نسلی از دانشمندان متخصص برسیم، اگر توانستیم عقب‌ماندگی دانشگاه‌ها را تبدیل به رشد علمی کنیم، قطعا می‌توانیم از بن‌بست تحریم‌ها فرصتی برای جهش تاریخی اقتصادی بسازیم. حتما خواهیم توانست با فرصت جوانگرایی به معضل ناکارآمدی پایان دهیم. این دهه متعلق به ماست.

محمدامین مهدی‌پور | دبیرکل اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

امروز دهه پنجم انقلاب اسلامی را در شرایطی شروع می کنیم که دشمنان اسلام و ملت ایران بیش از هر زمانی از ابهت و عظمت انقلاب اسلامی واهمه دارند؛ افرادی که روزی در تلاش بودند با حمله نظامی و جنگ نرم و تحریم اقتصادی، ایران اسلامی را زمین گیر کنند، امروز یا مرده‌اند یا نفس‌های آخرشان را می کشند.
در میان این کارزار یک ملت انقلابی همواره حرف آخر خود را همان اول می‌زند: آقایان غرب‌زده، ما را از آن‌طرف مرزها نترسانید که در آنجا خبری نیست، بلکه از دید ما تهدید اصلی عدم استفاده از ظرفیت‌های داخلی است. دشمن هرچقدر برما بتازد ما قوی‌تر خواهیم شد و آخر این کارزار «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند».
لذا امروز چند مساله‌ای در باب اقتصاد، ساختارهای سیاسی کشور، آموزش‌وپرورش و دانشگاه‌ها خدمت حضرتعالی عرض خواهم کرد.

مسائل اقتصادی

انقلاب اسلامی ما با روند اقتصادی موجود، در معرض آسیب‌های جدی قرار دارد، برای اینکه در این بعدش هنوز اسلامی نشده است.
متاسفانه با توجه به روندهای کلی کشور، تاثیر نرخ ارز به‌حدی زیاد است که موجب بزرگ‌ترین هرج و مرج اقتصادی تاریخ کشور شده است؛ اینکه در یک دهه، میزان سقوط ارزش پول ملی ایران بیشترین میزان در جهان (پس از سوریه) باشد، اصلا متعارف و منطقی نیست. البته در شرایطی که دولت منفعل و بازار عنان گسیخته است و وزارتخانه‌های متولی کار و صنعت و اقتصاد توسط گروه‌های رانتی اشغال شده‌اند، وضعیت نباید بهتر از این باشد. از آنجاکه دولت و نهادهای وابسته به آن، بزرگ‌ترین عرضه و تقاضاکننده ارز هستند و این دولت بیشترین اختیارات را نسبت به دولت‌های سابق داشته است. درصورتی که تدبیر درستی اندیشده شود، افزایش ارزش پول ملی هدفی دور از دسترس نخواهد بود.
آقاجان، در چنین شرایط اقتصادی که قشر محروم و مستضعف با مشکلات معیشتی متعددی مواجه است، نمایش تجمعات آقازاده‌ها در فضای حقیقی و مجازی، نمکی است روی زخم ملت قهرمان ما؛ در این راستا از حضرتعالی تقاضا داریم دستور فرمایید دستگاه‌های مسئول با سرعت و دقت هرچه تمام‌تر نسبت به تدوین و اجرای آیین‌نامه قانون رسیدگی بر اموال مسئولان اقدام کنند.

اصلاح ساختارهای سیاسی کشور

در باب مردم‌سالاری دینی، یک حکومت اسلامی باید ساختار دقیق تربیت نیروها و مدیران آینده خود را برای مردم و نخبگان مشخص کرده تا در مقابل توده‌های مردم نیز نقش خود را در تحقق دولت اسلامی دانسته و به آن عمل کنند.
اما اگر در جامعه اسلامی این ساختار مشخص نباشد، مسلما در آن جامعه باندهای قدرت و ثروت به وجود می‌آیند که خطرشان برای حکومت اسلامی چندین‌برابر بیشتر است، در آن زمان کم کم افراد جای ارزش‌ها را می‌گیرند.
در چنین سیستم نیمه‌پارلمانی نیمه‌ریاستی ناقص، گروه‌های سیاسی صرفا کارکرد انتخاباتی داشته و هیچ‌یک پاسخگوی وضعیت کشور نیستند؛ همین باعث می‌شود مردم در مواقعی هم که گلایه بحقی داشته باشند، مشکلات را به پای حاکمیت بنویسند و خروجی چنین سیستمی آقازاده‌پروری خواهد بود.
پیشنهاد ما بررسی جدی و دوباره نظام پارلمانی مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه و بازنگری قانون اساسی بر همین محور است؛ امید است این اصلاح ساختاری راه را برای پیشرفت کشور و پررنگ‌تر شدن نقش جوانان در آینده آن هموارتر سازد.
راستی آقاجان، صحبت از گام دوم شد و جوانگرایی؛ برداشت ما این است که حضرتعالی گام دوم را خطاب به همه امت اسلامی بیان کردید، اما متاسفانه افرادی معدود و حلقه‌هایی خاص به گام دوم خیانت و آن را تعبیر به جوانگرایی صرف که منظور خودشان بودند کردند و این گونه خواستند سهم خود را از قدرت بگیرند؛ اما آقایان از نظر ما جوان حزب‌اللهی قدرت‌طلب نیست.
گام دوم، گام تاریخی تمامی ملت ایران است. گام دوم، گام آن زن و مرد و دانشجو و کارگری است که برای پیشرفت کشورش تلاش می کنند و گام آن مدیری است که اگر شهر را آب برد، در حوزه مسئولیت خود مشغول به خدمت باشد نه در خارج از کشور مشغول به خوشگذرانی و عشرت.

آموزش و پرورش

حضرت‌آقا، بنده به‌عنوان دانشجوی دانشگاه فرهنگیان، ارادت ویژه معلمان این سرزمین را خدمت شما به‌عنوان مدافع واقعی آموزش‌وپرورش اعلام می کنم. در جامعه اسلامی ما قرار بود آموزش‌وپرورش و آموزش عالی مکمل هم باشند اما پس از گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی، تبعیض و تفاوت‌های میان این دو چه بسیار زیاد است.
قاطعانه می گویم اصلاح آموزش‌وپرورش جز از مسیر دانشگاه فرهنگیان میسر نمی‌شود، اما دست‌های پشت‌پرده خواهان زمین زدن این دانشگاه هستند.
آنهایی که روزی در سفارتخانه‌هایشان به عدالتخواهان ما نذری می‌دادند امروز خوب می‌دانند برای منحرف کردن مسیر آینده انقلاب باید آموزش‌وپرورش و تربیت معلم را هدف گرفته و آن را به محیطی رخوت‌انگیز بدل کرده و معلم ایرانی را توسری‌خور بار آورده و او را درگیر مشکلات معیشتی کنند.
آنها خوب می‌دانند امروز باید از طرح خرید خدمات آموزشی حمایت کنند و برای دانش‌آموزان ما، مدرسه‌های به‌اصطلاح مجهز بسازند و آن‌وقت مدیران جنتلمن را در راس این مدارس گمارده و سند ۲۰۳۰ را در خفا اجرا کنند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی و دانشگاه‌های کشور

این روزها خبرهای ناخوشایندی از شورای عالی انقلاب فرهنگی به گوش می‌رسد، خبرهایی که حاکی از آن است که افرادی می‌خواهند با به حداقل رساندن اعضای شورا و برگزارنشدن جلسات آن، سیاستگذاری فرهنگی را از این شورا بگیرند. لذا از حضرتعالی استدعا داریم نسبت به این مساله ورود کنید و مانع از نابودی عالی‌ترین شورای سیاستگذاری فرهنگی کشور شوید.
آقاجان در دانشگاه‌ها هم، دانشجویان مومن و انقلابی امروز ضرورت‌ها را بیش از هر زمانی درک کرده‌اند و برای حفظ سنگر انقلاب در دانشگاه‌ها لحظه‌ای درنگ نمی کنند؛ اما نکته جالب اینجاست که در این وانفسای جنگ نرم، وزارت علوم و دانشگاه‌ها روزبه‌روز فشارها را بر مجموعه‌های دانشجویی انقلابی بیشتر می کنند، گویا آقایان سمپاد فتنه‌گران هستند. فتنه‌گرانی که قرار بود جایگاهی در دانشگاه نداشته باشند، وقاحت را به سر حدی رسانده‌اند که دوباره از اتحادیه ما به دادگاه قضایی شکایت کرده و به خیال‌شان می‌خواهند همین دفتری را هم که برای فعالیت، شما به ما داده بودید از ما گرفته و آواره‌مان کنند. ولی رهبرا، اف بر ما که با فشار اینان و بعضی رفقای فتنه‌گرشان بخواهیم از آرمان‌هایمان کوتاه آمده و جبهه انقلاب را تنها بگذاریم.

ادامه در صفحه ۱۵